

بررسی چگونگی و روش های تدوین بحارالانور توسط علامه محمدباقر

مجلسی

محمد شریفی^۱، امیر محمد قدوسی مقدم^۲

^۱ دانشیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسول) m.sharifi@umz.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران amirmohamaady459@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی تدوین بحارالانور می باشد که مفصل ترین مجموعه حدیثی شیعه است که با نظارت مجلسی تألیف شده است. تألیف این کتاب که مجموعه ای از آموزه ها و تعالیم شیعه است، بیش از ۳۰ سال طول کشیده و گروهی از شاگردان علامه مجلسی او را در این کار یاری کرده اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به اسناد دینی و فقهی، کتب و آثار مجلسی و نیز کتاب های پیرامون آن فراهم آمده است نتایج پژوهش نشان می دهد که «توجه به روش کتاب محورانه و قرائن کتاب شناسی» به عنوان مهم ترین مبنای مجلسی در تألیف بحارالانوار است. به عبارت دیگر با توجه به مقدمه های پرفایده بحارالانوار، وی با تکیه بر اعتماد به آثار حدیثی و کتبی که احادیثی ارزنده در بر دارد، با نظام اولویت بندی خاص در اعتبارسنجی منابع حدیثی به تألیف بحارالانوار پرداخته است. از مقدمه بحار روشن می شود که مجلسی تمام منابع بحار را در یک درجه از اعتبار نمی داند و به نظام رتبه بندی در صحت و ضعف احادیث و منابع قائل است، از این رو در مقدمه بحار هجده مورد از منابع را کم اعتبار می داند.

کلیدواژه ها: بحارالانوار، علامه مجلسی، تدوین حدیث.

بیان مسئله

محمد باقر مجلسی معروف به مجلسی یا مجلسی دوم (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)، از معروفترین فقها و محدثان در جهان اسلام است. وی از صاحب‌منصبان با نفوذ شیعه در عصر صفویه است. در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول، تاریخ، رجال و درایه، فلسفه، منطق، ریاضیات، ادبیات، لغت، جغرافیا، طب، نجوم و علوم غریبه متخصص بود.

مجلسی در مقدمه بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار انگیزه خود را از تألیف کتاب چنین ذکر می‌کند: «سبب تألیف کتاب این است که من در دانش آموزی در انواع علوم حریص بودم و بعد از سپری کردن بخشی از عمر در دانش‌های گوناگون و اندیشیدن به ثمرات و غایات این علوم دریافتم که علم، تنها از چشمه وحی و روایات اهل بیت حاصل می‌شود و در آخرت تنها این دانش سودمند است. از این رو به اخبار و روایات معصومین (ع) پرداخته‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲).

او همچنین درصدد منابعی بوده است که در معرض فراموشی قرار داشتند و از این رو، به سراغ کتاب‌هایی رفته که در گذر زمان و به علت توجه زیاد به کتب اربعه، مهجور مانده بود و یا به علت غرض ورزی فاسدان، بی‌توجهی جاهلان و وجود مخالفان اهل بیت (ع) در حال نابودی بوده‌اند (همان، ص ۳ و ۴).

او می‌گوید: «مانند این کتاب در عامه و خاصه تاکنون نوشته نشده و احدی در این کار بر من سبقت نگرفته و امید است این کتاب، تا قیام قائم آل محمد (ص)، مرجع فضلا و طالبان علم و منبع تحقیق تمام کسانی باشد که در پی تحصیل علوم ائمه اطهار هستند» (همان، ص ۶).

عزم مؤلف بر نگاشتن این کتاب از ۱۰۷۰ق، پس از نگارش کتاب فهرس مصنفات الاصحاب جزم شده است و اولین تاریخ ثبت شده در خود کتاب ۱۰۷۲ق است (همان، ج ۱۰۳، ص ۵۵) و پیش‌نویس آن در ۱۱۰۴ یا ۱۱۰۶ق به پایان رسیده است، هر چند پاک‌نویس کتاب تا پس از فوت مؤلف و توسط شاگردان او همچنان ادامه داشته است (امین، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۸۳).

مجلسی برای تألیف این کتاب، بسیاری از شاگردانش را به شهرها و کشورهای مختلف فرستاد تا کتب و نسخه‌های موجود روایی را پیدا کنند. (قمی، ۱۳۵۹، ج ۳، ص ۱۴۷) برای مثال او گزارش داده حتی برای به دست آوردن کتاب مدینه العلم شیخ صدوق که تصور می‌شد در یمن وجود دارد، گروهی را با هدایای فراوان به سوی حاکم آنجا فرستاد تا کتاب را به دست آورد (امین، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۸۳).

در تألیف بحار، بعضی از شاگردان مجلسی شامل میرزا عبدالله افندی، میر محمد صالح خاتون آبادی، ملا عبدالله بن نورالدین بحرینی، سید نعمت الله جزایری و آمنه خاتون خواهر مجلسی با او همکاری کردند (مهدوی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۶).

مجلسی بر همه مراحل کار تسلط کامل داشت و شاگردانش فقط به جمع‌آوری و نگارش آیات و احادیث، ذیل عنوان‌های طراحی شده توسط خود او می‌پرداختند و کلبه‌گزینه‌ها از متن، سند و نیز تنظیم متن توسط خود او صورت می‌گرفته است. (موسسه تحقیقاتی و اطلاع رسانی خانه کتاب ایران، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷-۸) با این حال اتمام کامل کتاب به معنای پاک نویسی آن، بعد از وفات مجلسی و توسط شاگردان او انجام گرفته است.

مجلسی عنوانی را برای هر جلد کتاب برمی‌گزید و در ذیل هر عنوان ابوابی را قرار می‌داد. او هر باب را با آیاتی از قرآن کریم که صریحاً یا به مدد قراین گوناگون تاریخی، حدیثی و تفسیری با موضوع تناسب داشته آغاز کرده، سپس اقوال مفسران (غالباً امین الاسلام طبرسی و فخر رازی) را در حد لزوم نقل کرده و آنگاه احادیث ناظر بر هر عنوان را با ذکر سند، به ترتیب شماره آورده است. گاه فقط بخشی از یک

حدیث را نقل کرده و کامل آن را در بابتی مناسبتر آورده است (گاهی به محل اصلی نقل حدیث در بحار اشاره می‌کند) و همچنین، در صورت لزوم، برای تبیین معنای حدیث توضیحاتی با عنوان (بیان) داده است. این توضیحات در جلدهایی که توسط شاگردان او پاک نویس شده وجود ندارد. (امین، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۸۳)

مجلسی هرچند در تألیف بحار در نیمه دوم عمر و بعد از تکمیل مدارج علمی و تألیف بیشتر کتاب هایش از همکاری بعضی فضلا و حمایت مالی حکومت صفوی و تسهیلات و امکانات در گردآوری منابع برخوردار بود، به شهادت نسخه‌های موجود و قراین دیگر، کار اصلی را شخصاً انجام می‌داد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

احادیث معصومین (ع) در شرایط زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه‌ها و هدفهای خاصی صادر شده که در تاریخ تدوین حدیث، به دلایل مختلف، بسیاری از موارد صدور حدیث، حذف یا به فراموشی سپرده شده است. همچنان که اسباب نزول قرآن در فهم و تفسیر قرآن مطلوب است، اسباب ورود و صدور حدیث نیز در فهم و تبیین حدیث مطلوب است. در فواید شناخت مورد صدور احادیث، به ایجاد بصیرت در فهم حدیث، تخصیص عام، تقیید مطلق، تبیین مجمل، بیان علت حکم، شناخت احادیث تقیه‌ای، رفع تعارض، تبیین نسخ، ترجیح بین احادیث، آشنایی با کسانی که حدیث خطاب به آنها صادر شده، رفع ابهام از کلمات و عبارات نامفهوم، آشنایی با شیوه معصومین (ع) در بیان مطالب و ایجاد تسهیل در حفظ احادیث اشاره شده است. میزان اعتبار مورد صدور احادیث به لحاظ: ناقل حدیث، مورد صدورهای خبری، مورد صدورهای انفصالی و تعارض بین موارد صدور حدیث بررسی شده است. و نگاهی گذرا به سیر تاریخی تألیف منابع و جوامع حدیثی و بررسی رویکرد شرح نویسی از سوی مصنفین منابع حدیثی به خوبی نشان می‌دهد که مجلسی (ره) فقدان منبعی فراگیر در حدیث به ویژه روایات فقهی را دریافته و نیاز مبرم تبیین ابهامات و رفع مشکل و حل غوامض روایات را پاسخ مناسب داده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش زیادی در زمینه روش های تدوین بحارالانوار توسط علامه محمدباقر مجلسی صورت نگرفته است ولی مقالات و پایان نامه هایی نزدیک به این عنوان انجام شده که در ذیل به ذکر برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

دهقان زاده (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی سندی روایات باب ظهر و بطن قرآن در بحار الأنوار» بیان می‌کند که کتاب بحارالأنوار بزرگترین گنجینه احادیث امامیه است که بیشتر روایات ظهر و بطن قرآن کریم را در بابتی مستقل در خود جای داده است، لذا اعتبارسنجی اسناد روایات این کتاب، اهمیت بسزایی در عرصه حدیث پژوهی امامیه دارد و این باب در سامان دادن ایدئولوژی و جهان بینی امامیه در قرآن شناسی و هستی شناسی نقشی پررنگ ایفاء می‌کند. یافته های تحقیق نشان دهنده این است که در میان روایات ظهر و بطن قرآن در بحارالأنوار، نوزده روایت صحیح، و شصت و پنج روایت از جهت سندی ضعیف است که بیست و دو درصد روایات را صحیح و هفتاد و هفت درصد روایات را روایات ضعیف شامل می‌شوند، در نتیجه، نوزده روایت، از روایات باب ظهر و بطن، از جهت سندی قابل اعتماد می‌باشند.

قریب (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «جایگاه نسخه های معتبر مصادر کهن در تدوین تالیفات پیشینیان (مطالعه موردی: بررسی مصادر معتبر بحارالانوار)» بیان می‌کند که دسترسی به نسخه های معتبر کتاب های پیشینیان، همواره برای دانشمندان علوم اسلامی، اهمیت فراوانی داشته است. این امر برای نویسندگان کتاب‌های دایره المعارف گونه از آن حیث که به اقوال صحیح روایات پیشینیان نیاز داشتند اهمیت دوچندان می‌یافت. بحارالانوار علامه محمدباقر مجلسی را می‌توان یک دایره المعارف حدیثی محسوب کرد. وی برای

تدوین این مجموعه روایی بزرگ، از کتاب های زیادی بهره برده است که برخی از آن ها نسخه های بسیار معتبری، محسوب می شده اند. وی با مقایسه نسخه های متعدد و متفاوت یک کتاب، قادر به تفسیر و توضیح بهتر روایات آن بوده است. برخی از نسخه های مورد استفاده مجلسی، حاوی اطلاعات منحصر به فردی بوده که وی عین آن مطالب را در اختیار خوانندگان قرار داده است. علامه مجلسی در زمینه استنساخ نسخه های قدیمی نیز فعال بوده و برخی استنساخ های گروهی که توسط شاگردانش و زیر نظر شخص وی انجام شده را در بحارالانوار نام برده است.

قریب (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « تاریخ نگاری و روش نقد اخبار تاریخ اسلام در بحارالانوار علامه مجلسی » بیان می کند که علامه مجلسی بر اساس منابع عمدتاً شیعی، تاریخ اسلام را بازنویسی کرده و حدود یک سوم بحارالانوار را به این امر، اختصاص داده است. تاریخ اسلام از منظر مجلسی، تاریخ پیامبر (ص)، حوادث سیاسی پس از رحلت ایشان تا شهادت امام علی (ع) و تاریخ امامان شیعه (ع) است. مجلسی، تنها به نقل روایات از متون مختلف بسنده نکرده و به شرح، توضیح و نقد آن ها همت گمارده است. از آن جا که بحارالانوار، یک مجموعه حدیثی است ابتدا به اثبات عمل تاریخ نگاری کردن مجلسی پرداخته شد و ویژگی های تاریخ نگاری وی مورد واکاوی قرار گرفت. ضرورت شناخت میزان اعتماد مجلسی به کتاب ها و روایان فرقه های شیعه و غیر شیعه باعث معرفی دقیق منابع مورد استفاده وی در بخش تاریخ اسلام بحارالانوار گردید.

آشنا و رضایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان « فضای گفتگویی تدوین بحارالانوار در عصر صفوی » بیان می کنند که علامه مجلسی در جایگاه شیخ الاسلام عصر صفوی با تالیف آثار فارسی و عربی گوناگون، طیف مخاطبان متفاوت خویش را تغذیه کرده است و بدین وسیله موجبات تقویت و گسترش دولت حاکم را فراهم آورده و پس از آن، موجب نهادینه شدن آن گفتمان شده است.

دیدگاه مجلسی درباره حدیث

مرحوم مجلسی کتاب السماء و العالم را ترتیب داد و در آن احادیث مربوط به عالم طبیعت و تکوین (اعم از احادیث مربوط به حیوانات، اشیاء، ملائکه، جن، لوح و قلم) را گرد آورد. این احادیث در کتابهای پیش از مجلسی هم بوده است؛ ولی از آنجا که جامعیت کتاب برای ایشان اهمیت داشته است، این کتاب را ترتیب داده تا این روایات را در آن نقل کند. طب الاثمه از عناوینی است که در کتاب یاد شده، گنجانده شده است. در رابطه با مسائل طبیعی که ائمه اطهار در ضمن احادیث خود مطرح کرده اند. چنانکه مرحوم صدوق در کتاب اعتقاداتش نوشته است. تعبد به روایات، مطرح نیست. بسیاری از این روایات براساس علوم طبیعی آن عصر صادر شده است.

پیش از مرحوم مجلسی نیز این روایات را محدثان بزرگ شیعه در ابواب مخصوص نقل کرده اند؛ اما مرحوم مجلسی به صورت مفصل کتابهای حدیثی طبی را نقل کرده است. و از آنجا که مرحوم مجلسی جامعیت کتاب را در نظر داشته است، لذا به نقل این روایات پرداخته است. اما اینکه مرحوم مجلسی دیدگاه خاصی نسبت به این روایات داشته است، دقیقاً روشن نیست.

مرحوم مجلسی با آن که کوشیده است در هر باب، احادیث مربوط به آن را در حد امکان جمع آوری و تنظیم کند؛ اما این جمع آوری به شیوه های بهتری نیز امکان داشته است. مثلاً ما می توانیم فصول کتاب جامع حدیثی را به گونه ای تنظیم کنیم که ابتداء مباحث اعتقادات به تفصیل بیاید و سپس بحث امامت و تاریخ آن و بعد کتاب تفسیر آورده شود که تفسیر کل قرآن باشد و شان این کتاب فقط روایاتی باشد که در آن یک یا چند آیه اقتباساً ذکر شده و نام آن را کتاب التفسیر بگذاریم.

در کتاب مرحوم مجلسی روایاتی متفرق وجود دارد و مانعی ندارد که ما کتابی جداگانه در این موضوع ایجاد کنیم. همچنین، خوب است کتاب الرجال همچون رجال کشی در جوامع حدیثی تدوین شود و روایاتی که در شان رجال و شرح احوال آنها آمده است، در آن نقل

شود. روایات موجود در این موضوع، بیش از آن مقداری است که در رجال کشی موجود است. حتی در روایات حلال و حرام وسائل الشیعه هم در ابواب مختلف روایاتی هست که می شود از آنها شرح حال یک نفر را پیدا کرد مرحوم صدوق معانی الاخیار را در تبیین معنی روایات نگاشته است؛ ما می توانیم یک کتابی وسیع تر از این، به عنوان کتاب الأدب تهیه کنیم، مثلا روایتی که از آن یک قاعده نحوی به دست می آید، یا روایتی که از آن، یک قاعده لغوی استنتاج می شود، در آن آورده شده مثل اینکه «باء» به معنی تبعیض است. در روایتی از زراره آمده است .

گذشته از بلاغت، معانی، بیان، لغت، نحو، صرف، شعر حتی خط و شیوه نوشتن هم در برخی روایات آمده است و حضرت فرموده اند: اینطوری بنویس. مرحوم مجلسی این ترتیب را اتخاذ نکرده است. البته، پس از مرحوم مجلسی نیز شیوه های مختلفی در تدوین احادیث و جامع نگاری معمول شده است

شیوه مجلسی در استفاده از منابع عامه

بیشترین استفاده مرحوم مجلسی از منابع عامه در بخش فضایل است، همچنین در بحثهای تفسیری هم از کتابهای ایشان استفاده کرده و در توضیح لغات هم از ابن اثیر و زمخشری و دیگران، زیاد نقل کرده و از روایات عامه به عنوان شواهد استفاده کرده است. نکته ای که به نظر می رسد این است که از کارهایی که مرحوم مجلسی انجام نداده و برای ما مفید است، آن است که ایشان می توانست روایات عامه را که به ائمه اطهار منتهی می شود (لااقل به عنوان خبر ضعیف) بیاورد .

الآن ما با مصادر عامه ارتباط نسبتا زیادی داریم، در جوامع حدیثی ما تاکنون این روایات استخراج نشده است. یعنی نه در وسائل و نه عوالم و نه غیر آنها این کار نشده است البته، استخراجهای مستقلی انجام شده است .

ما در کتب معروف اهل سنت روایاتی داریم که به خود امام منتهی می شود. مثلا در سنن ترمذی. اینگونه احادیث در هیچ یک از جوامع حدیثی مثل وسائل و بحار و عوالم و کتاب مرحوم شتر نیامده است، به نظر من تا حالا هرچه که جامع حدیثی برای ما نوشته شده، از این جهت، نقص دارد. اگر بخواهیم یک جامع حدیثی بنویسیم و این احادیث را داخل کنیم، بین ده هزار تا بیست و پنج هزار حدیث را می توانیم به میراث حدیثی شیعه اضافه کنیم و در صورتی که روایات اشخاصی امثال ابوحمزه و سایر راویان بزرگ را اضافه کنیم، عدد خیلی بالاتر می رود. مخصوصا چهره هایی که محل کلام است .

مثلا اباصلت هروی که الان جزء شیعه تلقی می شود و در رجال او را «عامی» دانسته و در مورد وی زیاد بحث کرده اند. در روایات عامه به عنوان عبدالسلام بن صالح هروی معروف به اباصلت نقش حدیثی خوبی دارد. اگر چه نام وی در مصادر اولیه ایشان همچون صحیح بخاری وجود ندارد؛ اما در مصادر درجه دوم نقش وی کم نیست. از این دسته هستند، اشخاصی چون ابوحمزه ثمالی، زراره، محمدبن مسلم، عبدالله بن سنان، جابر بن یزید جعفی و مفضل بن عمر جعفی اضافه کردن روایات اینها که در کتب عامه است، سرمایه فرهنگی خیلی بزرگی را به احادیث شیعه اضافه می کند .

در مباحث قرآنی، در مباحث فضائل، روایات بسیاری با اساتید ما در کتب عامه وجود دارد. مثلا حاکم در شواهد التنزیل با اساتید خود ما از قبیل ابوبصیر و زراره و غیر اینها از امام صادق (ع) روایت نقل می کند .

البته اگر بنا باشد مجموعه حدیثی خوبی برای شیعه استخراج شود، بهتر است که این روایات هم اضافه شود؛ اما مرحوم مجلسی از منابع اهل سنت در تالیف بحار این گونه استفاده نکرده است. واضح است این گونه روایات باید در جوامع حدیثی ما بیاید، بلکه به نظر می

رسد بجاست روایاتی که اسانید اهل سنت دارد برخی راویان آن، چون ابوحمزه ثمالی و جابر بن یزید جعفی از بزرگان معروف شیعه هستند که نیز در این جوامع آورده شود.

از نمونه اینگونه روایات که سند آن عامی است؛ اما مربوط به شیعه می شود، روایت بخاری در مورد قنوت است که تنها روایت این موضوع در صحیح بخاری است. آن روایت از پیامبر (ص) است که به وسیله امام حسن (ع) نقل شده است. حدیث صحیح و معتبر در موضوع قنوت در صحیح بخاری منحصرأ همین حدیث است که باید در جوامع حدیثی خودمان بیاید در قدمای اصحاب، مرحوم شیخ صدوق در مواردی از کتب غیرفقیهه مثل خصال، امالی و علل الشرایع روایاتی را از منابع عامه با سندی که از مشایخ عامه داشته اند، نقل کرده است و طبیعتاً، مرحوم مجلسی در کتاب بحار همان روایات را آورده است.

این شهر آشوب هنگام تالیف کتاب مناقب، مقدار زیادی از مصادر معروف و غیر معروف عامه را در اختیار داشته و طرق خودش را هم به مشایخ آن کتب و مصادر در اول این کتاب آورده است. طبیعتاً مرحوم مجلسی که همین کتاب مناقب را نقل کرده، همان مصادر را که مورد نظر مرحوم ابن شهر آشوب بوده، آورده است. غرض این است که مجلسی در این مقدار از مصادر دنباله رو است.

مرحوم مجلسی رحمه الله علیه- همین روایات را از منابع عامه نگرفته، بلکه از کتاب مناقب یا کتب صدوق اخذ کرده است. در پاره ای از موارد، در کتابهایی مثل تهذیب به مناسباتی روایات عامه ذکر شده است و مرحوم مجلسی این روایات را استفاده کرده است. (مددی، ۱۳۷۹، ص ۵۷)

روش مجلسی در اختصار اسناد

عمدتاً محسوس است که تقید به نقل تمام خصوصیات سند نیست، اینها کار جامع حدیث نیست، هر کسی یک رشته ای دارد او کارش این عمده ای که به درد ما می خورد اینست مجلسی هنگام نقل از است که کار را تا حدود موجود که می تواند با مراجعات به نسخ مختلف عامه فقط به عناوین و القاب مشهور اکتفا کرده است.

سند کامل را که مثلاً مرحوم شیخ در امالی یا مرحوم صدوق در خصال ممکن است اسم را با سه واسطه، چهار واسطه نقل کرده است؛ ولی اینها را مختصر می کنند، این کار را مرحوم صاحب بحار هم دارد ولکن نسبت به واقعی بهتر است نسبت به وسایل عقب تر می باشد ولکن این نکته اختصاص به اسناد عامه ندارد، البته این یک اشکال مشترک الوردی است که هم به بحار وارد به کتاب وافی و هم به کتاب وسایل و در این نوشته اخیر به استثنای مورد کمی، تقریباً تا آنجایی که اشاره کردم و من یکی دو تا را مختصری دیدم در جامع الاحادیث که نظر مرحوم آقای بروجردی قدس الله نفسه بود این کار شده است. (مددی، ۱۳۷۹، ص ۵۸)

بحار الانوار از زاویه نگاه دایره المعارفی

دوره صفوی آغازی است برای رشد نگاهی نو به دین و تعریفی جدید از دین برای نظارتش بر جامعه و تفسیرش از مسائل مختلف فردی و اجتماعی. با توجه به در دسترس نبودن متون شیعی در آغاز این دوره، و پس از رسمیت مذهب امامی در ایران، حرکتی فعال برای تهیه کتاب، با هدف تقویت تشیع از آغاز عصر صفوی پدید آمد. این حرکت مراحل مختلفی را پشت سر نهاد و سیاست اصلی آن احیای کتابهای پیشین و باز یافت آنها بود.

در این دوره، شیعه الزاماً می بایست به همه بحرانها و مسائل مطرح پاسخ قانع کننده ای که طبعاً دینی هم بود، ارائه می داد. از آنجا که تشیع با جامعه تسنن فاصله داشت و در این زمان رودرروی آن قرار گرفته و بنیاد دولت جدید تنها بر پایه تشیع بود، می بایست پاسخها تنها پاسخهای شیعی می بود. این پاسخها باید از دل احادیث بیرون بیاید و رنگ سنی نداشته باشد. تمایز میان شیعه و سنی نه به قرآن

است که هر دو می‌پذیرند، بلکه به حدیث است. بنابراین تمامی تلاشها روی این نکته متمرکز می‌شود که کتب حدیث کهن زنده شود، احادیث بسط یابد و شرح و تفصیل داده شود.

این امر سبب شد که یکبار دیگر، مانند قرون نخستین هجری، نگارش آثار دایرة المعارفی حدیثی آغاز شود. این بار، دایره نگاه وسیع تر بود؛ برای مثال چندین کتاب حدیثی مفصل در تفسیر قرآن نوشته شد که از آن جمله می‌توان به نورالثقلین، البرهان و الصافی که در نیمه اخیر عصر صفوی نوشته شد، اشاره کرد.

بحار الانوار گل سرسبد این نگره، این تلاش و این تکاپو و در واقع تأمین کننده این هدف است؛ ارائه تفسیری از عالم و آدم، هست ها و بایدها از زاویه دید شیعی برای جامعه ای که از تسنن عبور کرده، در فضای شیعی تنفس می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۸)

میرمحمد حسین خاتون آبادی (م ۱۵۱ق) خواهر زاده علامه مجلسی در فهرست تألیفات علامه مجلسی با شرحی از بی توجهی به دانش حدیث، در زمانی پس از تألیفات حدیثی قرن دوم تا پنجم هجری می‌گوید: و در اعصار بعد، به سبب بی‌اعتنایی مردم به ضبط احادیث و رغبت ایشان به علوم حکمی و اقوال فلاسفه، بسیاری از چهارصد اصل تلف شده بود. لهذا آن مرحوم یعنی علامه مجلسی سعی بلیغ در ضبط و به هم رسانیدن چهار صد اصل نموده تا آنکه دویست و کسری از آن جمله به هم رسانید و از راه آنکه مبدا باز به طریق سابق تلف شود، مجموعه را در این کتاب یعنی بحار جمع نمود. (متن این رساله را بنگرید در: کتاب شناسی مجلسی، ص ۵۱-۴۱، و عبارت یاد شده را در صفحات ۴۳-۴۲).

شکل‌گیری بحار الانوار در فضایی است که هدف اصلی آن ارائه یک تصویر معرفتی کامل برای عالم و آدم بر اساس متون مقدس شیعی است که پس از یک دوره یک صد و هفتاد ساله از آغاز عصر صفوی به بار نشسته است. هسته اصلی دایرة المعارف، پرداختن به تمامی دانشهایی است که می‌تواند تمامیت علم و دانش میان بشر را در برگیرد. حتی در مواردی که بخشی از معارف بشری مورد توجه در یک دایرة المعارف قرار می‌گیرد، باز نوعی کلی‌نگری و جامعیت در آن لحاظ می‌شود. بنابر این وقتی اثری دایرة المعارفی می‌شود که این نوع نگرش جامع در آن وجود داشته باشد.

با این تعریف، این تصور که عالمی بتواند تمامی علوم و معارف جاری را در یک مجموعه گردآوری کند، تصویری دایرة المعارفی و به طور عمده به لحاظ بینشی مبتنی بر نوعی تقسیم حوزه‌های علوم و اقسام معارف بشری است. چنین تفکری، سابقه روشنی در تمدن اسلامی دارد.

جدای از آنچه به تقسیم کلی علوم مربوط می‌شود، با معیار ارتباط علم و متون مقدس، می‌توان نوعی تقسیم بندی کلی را در نگرش دایرة المعارفی مطرح کرد و آن تقسیم بر پایه پاسخگویی به این پرسش است که علم و دانش، منشأ بشری دارد یا الهی. در اینکه برخی از دانشها در نگرش دینی، کاملاً منشأ الهی دارند، تردیدی وجود ندارد، اما پرسش این است که آیا سایر معارف بشری هم که در نگاه اول بالذات بشری اند، ممکن است منشأ الهی برای آنها قائل شد؟

ممکن است میان این دو گرایش، نوعی دیدگاههای میانی هم باشد و در این بین، نگرشهایی به نظریه اول و نگاههایی به نظریه دوم نزدیک تر باشد. چنین وضعیت شناوری در تمدن اسلامی آن هم در خصوص تفسیر معنای علم و اقسام آن وجود داشته است.

گرایش به فلسفه و علوم عقلی، و بیان فلسفه به عنوان قالب جامع علم در تمدن اسلامی، آن هم برگرفته از تفکر یونانی، در قالب تعریف مبنای علم به عنوان یک امر بشری است. این گرایش به همین دلیل، با گرایشی که در برابر آن، تمامی علم را الهی تلقی می‌کند، اعم از آنکه عرفان باشد یا نص‌گرایی دینی، درگیر شده است. همین گرایش سبب شده است که تا فردی چون فخرالدین رازی (م ۶۰۶ق)

در جامع العلوم احدثاق الانوار فی حقایق الاسرار (تألیف در ۵۷۴ق) خود که در آن از شصت علم سخن گفته و به معنای دقیق کلمه دایره المعارف است، علوم را به علوم مذهبی و فلسفی تقسیم کند. (دائرة المعارف فارسی، ص ۵۸) آملی هم در نفایس الفنون که از صد رشته علم سخن گفته آنها را به نوعی دیگر تقسیم کرده که از آن جمله علوم حکمی و غیر حکمی است و قسم دوم، دینی و غیر دینی. و در ادامه کتاب خود را بر اساس علوم اواخر، یعنی علوم دینی و علوم اوائل، یعنی علوم فلسفی یا به تعبیری حکمت نظری و عملی تقسیم می کند (شمس‌الدین آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴-۱۹).

مجلسی درباره وجه نامگذاری آن به بحر الانوار می گوید: «و لاشتماله علی انواع العلوم و الحکم و الاسرار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵)

در واقع، اینکه انواع علوم و حکم در احادیث است مبنای یک نگرش دایره المعارفی است که در تدوین بحر به کار گرفته شده است. با این حال، یک نکته اهمیت دارد و آن اینکه، این فرض که مجلسی بر این باور بوده است که حدیث یا به طور کلی متون مقدس می تواند جای همه معارف بشری (مفید یا غیر مفید) را بگیرد محل تردید است. طبعاً یکبار بحث از علم به معنای کلی دانش است و بار دیگر علم در اصطلاح خاص دینی آن که دانش مفید را با وجه نظر دینی می گویند.

مجلسی در مقدمه بحر، پس از اشاره به اینکه بخشی از عمر خویش را در دانشهای مختلف سپری کرده، می گوید: تأمل کردم تا بدانم کدام یک از این دانشها سبب رسیدن به بالاترین مراتب علم می شود و کدام یک به کار معاد و قیامت می آید. با تأمل دریافتم تنها دانشی که می تواند انسان را سیراب سازد، دانشی است که از وحی برگرفته شده باشد. من به فضل و الهام الهی دریافتم که دانش زلال، عطش را رفع نمی کند جز آنکه از یک چشمه صاف گرفته شده باشد که آن هم از چشمه های وحی و الهام است، چنان که دریافتم حکمت اثربخش نیست مگر آنکه از رازآگاهان دین و پناهگاهان مردم باشد. سپس می نویسد:

«فوجدت العلم کلّه فی کتاب الله العزیز الذی لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه، و أخبار أهل بیت الرسالة الذین جعلهم الله خزّاناً لعلمه و تراجمه لوحیه، و علمت أن علم القرآن لایفی أحلام العباد باستنباطه علی یقین، و لا یحیط به الا من انتجبه الله لذلك من ائمة الدین، الذین نزل فی بیتهم الروح الامین»

مجلسی در مقدمه مرآة العقول نیز همین مطالب را، و حتی روشن تر از آنچه در بحر آورده، بیان کرده است. در آنجا بیش از همه فلسفه و تصوف را مورد انتقاد قرار داده، از کسانی که نه علم، بلکه جهالت را از پس مانده های کافران می گیرند، انتقاد می کند (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲-۱).

در اینجا می توان احتمال داد که حتی اگر مقصود وی کلیت معارف بشری باشد، وی به خصوص روی فلسفه و تصوف تکیه دارد. در واقع این دو رشته هستند که رقیب حدیث و معارف مقدس اند. بر پایه همین مبناست که مجلسی، در مورد دیگری هم هدف از تألیف کتاب بحر را نگارش اثری برای نجات مردم از دست فلاسفه و مطالب موهوم آنان دانسته، با گلایه از اینکه در این روزگار مردم به سراغ فلاسفه می روند، می نویسد: «و فی قریب من عصرنا لما ولع الناس بمطالعة كتب المتفلسفین و رغبوا عن الخوض فی الكتاب و السنّة و اخبار ائمة الدین، و صار بعد العهد عن أعصارهم علیهم السلام، سببا لهجر آثارهم و طمس انوارهم و اختلطت الحقایق الشرعیة بالمصطلحات الفلسفیة حتی صارت هذه المسألة معترک الآراء و مصطدم الاهواء، فمال کثیر من المتسمّین بالعلم المنتحلین للذین الی شبهات المضلّین و روجوها بین المسلمین، فضلوا و أضلوا و طعنوا علی أتباع الشریعة حتی ملّوا و قلّوا»

وی سپس با اشاره به اینکه یکی از نویسندگان اخیر نوشته است که در باره حدوث تنها یک روایت هست و به تأویل آن پرداخته، برای رفع شبهه، آیات و اخباری را که در این مبحث بوده ارائه کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۲۳۳)

در ابتدا به نظر می رسد که وی بر اساس رقابت فلسفه و تصوف با حدیث و دین، وقتی سخن از علم الهی به میان می آورد، مقصودش نه همه دانشهای موجود، بلکه تنها معارفی است که به نوعی به حوزه دین مربوط می شود. در عین حال، باید توجه داشت که وقتی علامه با فلسفه یا حکمت درگیر می شود، توجه دارد که حکمت، دست کم در آن روزگار شامل طبیعیات و الهیات هر دو می شود. در این صورت می توان احتمال داد که باز تعبیر علم الهی از نظر وی نه تنها شامل فلسفه به معنای خاص آن یعنی الهیات، بلکه شامل طبیعیات هم می شود. این مسئله وقتی تقویت می شود که بدانیم وی در بحار برخی از مباحث مربوط به علوم طبیعی را هم در کتاب سماء و عالم آورده است.

در واقع، بحث جدی تر در این باره آن است که بر بخشهای بحار که به نوعی زمینه آن بخشها به مباحث علوم طبیعی مربوط می شود، مروری داشته باشیم. مباحث مربوط به نجوم و پزشکی و نیز مباحثی که در زمینه باران و دیگر پدیده های جوی و طبیعی است، از این جمله است (جعفریان، ۱۳۸۸).

روش علامه مجلسی در بحارالانوار

علامه مجلسی پس از جمع آوری منابع متکثر بحار، همواره با یک گروه از شاگردان خود، شروع به نوشتن بحارالانوار کرد. روش کار او بسیار شبیه روش استادش، فیض کاشانی در الوافی است. او نیز هر کدام از کتب بحار را با آیات مرتبط با موضوع مورد نظرش شروع کرده و بدین ترتیب نوعی تقسیم بندی موضوعی قرآن کریم را نیز در بحارالانوار پدید آورده است. او خود در این باره می گوید:

«هر بابی را با آیات مناسب با عنوان آن آغاز نمودم و پس از آن، اگر احتیاج به تفسیر داشته باشند، کلمات مفسران را نقل کردم. آنگاه به سراغ روایات رفته و هر حدیثی را که نقل کردم یا تمام حدیث نقل شده است و یا آنکه اگر حدیث را تقطیع کرده و تنها قسمت مربوط به حدیث را آورده ام، اشاره کرده ام که تمام حدیث در جای دیگری که مناسبتر با آن است، آورده شده است تا در عین اختصار، نهایت استفاده شده باشد؛ احادیثی که احتیاج به شرح و توضیح دارند، در نهایت اختصار به شرح آنها پرداخته ام» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۴)

پیش از این، تقطیع مرسوم در کتاب شیعی سبب حذف برخی از قرائن فهم احادیث از کلیت سخن امام می شد و همین امر، برداشت فقهی و حتی اخلاقی از متن منقطع شده را زیر سؤال می برد؛ در واقع، نگاه علامه به تقطیع احادیث سبب شده است هم از طرفی در ابواب کتاب وی اضافه گویی صورت نگیرد و هم چارچوب کلامی معصوم شکسته نگردد؛ علاوه بر این، مجلسی به سبب اختلاف نسخ، در نقل برخی از احادیث نیز از شیوه تکرار بهره برده روایات گوناگون یک حدیث را در مجموعه باب های خود گنجانده است.

از طرف دیگر، همان طور که گفته شد او در ابتدای کتب بحارالانوار، نوعی تقسیم بندی موضوعی از آیات قرآن پدید آورده است. این دسته بندی که بر این دسته بندی که بر اساس نظر خاص علامه مجلسی یا به قول خود او، تفسیر صحیح، تنظیم شده است، با یک مجموعه تفسیری ادامه می یابد؛ در واقع مجلسی پس از ذکر آیات، تفسیرهای گوناگون دیگر مفسران را در باب آنها بیان داشته و به وسیله مقایسه خود آیات با همدیگر، آنها را مرتبط ساخته معضلات و و دشواری های آیات را حل نموده است (سبحانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۵۸).

اما توضیح و شرح احادیث در بحارالانوار معطوف به اهداف متفاوتی است. علامه مجلسی که از ۲۵ مجلد کتابش بر روایات پانزده جلد آن شرح نگاشته است، گاهی برای رد شبهات و اشکالات مخالفان، حدیث معصوم را تشریح کرده است. (مجلسی، [ابی تا]، ج ۱۱، ص ۲۰۳؛ ج ۲۵، ص ۱۰۸) و گاهی هم برای رد نظرات دیگران، احتجاج با آنها، تذکر اشتباهات پیشینیان، بلاغت برخی روایات و بیان مسائلی که از نظر وی مورد نیاز عموم به توضیح و تحشیه احادیث دست زده (ستایش، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). به علاوه مجلسی در بحث های ادبی و لغوی

آیات و روایات بحار الانوار با کمک گرفتن از کتب لغت و به خصوص مطالب دو کتاب صحاح جوهری و قاموس فیروز آبادی به اثبات ادعای خود و شیعه و نقض نظرات اهل سنت و دیگران پرداخته است. (همان، ج ۸۰، ص ۲۴۲)

شیوه استناد مجلسی از منابع اهل سنت در بحار الانوار نیز بسیار خاص است. او اگرچه از ۸۵ منبع اهل سنت در بحار نقل روایت کرده است. اما خود درباره علت اتخاذ این روش اظهار می دارد: «گاه از کتاب های روایی اهل سنت، اخباری را نقل می کنیم که یا برای رد آنهاست و یا برای نشان دادن موارد تقیه و یا تأیید آنچه از طرق خود و شیعه نقل کرده ایم؛ مانند آنچه از صحاح سته و یا جامع الاصول مهم ترین مرجع سنی بحار الانوار) و دیگر کتابها آورده ایم» (مجلسی، همان، ج ۱، ص ۲۴ ۲۵)؛ علاوه بر این، علامه هر جای منبع نقل روایتی تنها اهل سنت بوده، آن را فاقد اعتبار خوانده است همان، ج ۴۱، ص ۱۱۲ و ج ۳۳۱) و هر جا که آن منبع سنی، نظر شیعه را تأیید کرده است، با طعنه آشکاری، آن را دلیلی بر برتری تفکر شیعی خوانده است؛ چنان که او در توضیح و تفسیر آیه ششم سوره مائده یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ) اظهار می دارد: «علت آنکه ما در وضو از مرفق آغاز می کنیم، آن است که از روش اهل بیت فرا گرفته ایم؛ ابن هشام در باب پنجم کتاب خود، ضمن بیان اشتباهات نحویین در همین آیه بحث نموده است... خدا را شکر که سخن حق را بر زبان دشمنانش بیان داشته است. آیا نمی بینی که این فاضل که خود از بزرگان ادبیات و از علمای اهل سنت است، اعتراف به چیزی کرده که مستلزم مذهب شیعه است» (همان، ج ۸۰، ص ۲۴۲). بر چنین اساسی است که می توان گفت: رجوع علامه به متون سنت برای نفی ایشان و اثبات برتری تشیع انجام شده است.

مشارکت شاگردان علامه مجلسی در تدوین بحار از چند مطلب به دست می آید. نخست خود نسخه های اصل برجای مانده بحار است که برخی از متون نوشته شده در آنها به خط افرادی جز مجلسی است. این نکته ای است که میرزا حسین نوری با ملاحظه آن نسخه ها یادآور شده است. (نوری، ۱۳۲۰، ص ۸۳) شاهد دیگر اشاره سید نعمت الله جزائری شاگرد علامه به همکاری اش با علامه در تدوین برخی از مجلدات بحار است. یکی از افرادی که کمک فراوانی به علامه مجلسی کرده، ملاذوالفقار است که از شاگردان برجسته او و فردی کتاب شناس بوده و در تهیه منابع بحار تلاش زیادی کرده است. (الموسوی الجزائری، ج ۳، ص ۳۶۲)

در واقع، هدف علامه مجلسی فراهم آوردن تمامی معارف شیعی منهای کتب اربعه در یک کتاب بر حسب ابواب و موضوعاتی بوده که برخی از آنها در آثار گذشتگان وجود داشته و برخی طراحی خود اوست. به همین دلیل آنچه کتاب شیعی می شناخته و آنها را جزء آثار کهن شیعه و یا متأخری می دانسته که مطلب قابل اعتنایی در آنها بوده، به عنوان منبع بحار مورد استفاده قرار داده است. وی در این باره، فهرستی از کتابهای شیعه و سنی را در بحثهای مقدماتی کتاب ارائه داده که عناوین مربوط شامل ۳۷۸ کتاب شیعی و ۸۵ اثر سنی است. به علاوه از کتابهای دیگری هم در متن استفاده کرده که نامشان در این فهرست نیامده است؛ همان گونه که از برخی از آثاری که در مقدمه از آنها نام برده شده، در متن مطلبی درج نشده است. به علاوه از کتابهای کهنی که نامشان را نمی شناخته، اما نسخه ای در دست داشته با تعبیر «روی فی بعض مؤلفات بعض اصحابنا» مطالبی نقل کرده است.

علامه در همین مقدمه، در باره برخی از کتابهایی مشکوک و منسوب توضیحاتی می دهد که نشان از دقت وی دارد. یک نمونه در باره دعائم الاسلام قاضی نعمان است که برخی در آن زمان به اشتباه آن را به شیخ صدوق نسبت می دادند. علامه مجلسی به خصوص تأکید زیادی دارد تا از نسخه های کهن و عتیق استفاده کند؛ زیرا واقف است که نسخه ها در طول زمان و در اثر استنساخ دشواریهای زیادی یافته اند.

در همان زمان، این مسئله امری روشن بوده است که بحار جامع تمامی آثار موجود نبوده و به همین دلیل، شاگرد وی ملاذوالفقار اصفهانی، نامه ای به ایشان نوشته و در آن فهرستی از آثاری که می باید مطالب آنها هم در بحار بیاید به ایشان ارائه کرده است. (علامه مجلسی، ج ۱۰۷، ص ۱۷۹-۱۶۵) یکی از انتقادات این نامه آن است که چرا مطالب کتب اربعه در بحار نیامده است، در حالی که با توجه به ابهاماتی که در محل درج برخی از روایات آن کتب وجود دارد و در جای خود نیامده، بهتر بود در تقسیم بندی جدید در بحار، آن روایات هم درج می شد.

گفتنی است که فهرست کامل نام کتابهایی که به نوعی در بحار از آنها یاد شده در مجلد دوم فهرس بحار الانوار (بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۹۹۲م) آمده است.

علامه مجلسی فرصت تجدید نظر در تمامی مجلدات بحار را نیافته است، چنان که هشت یا هفت مجلد اخیر از بحار (از ۲۵ جلد) توسط خود او از مسوده به مبیضه هم درنیامد. اما در موارد اندکی، طی زمان، مطالبی افزوده و به آن اشاره کرده است. نمونه آن نکته ای است که علامه در باره تلاش شاه سلطان حسین در بازسازی حرم امام هادی و عسکری علیهماالسلام در سامراء بیان کرده است (علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۳۳۷)

بعد از وی تلاشهایی برای استدراک بر بحار صورت گرفته است. خود علامه، در مقدمه، وعده کرده بوده مطالبی که به دلیلی نتوانسته در این کتاب جای دهد، در مستدرک البحار بیاورد (همان، ج ۱، ص ۴۶)، اما طبعاً به دلیل دامنه کار نتوانسته است این وعده خویش را عملی سازد.

بخشی از کارهای علمی انجام شده روی بحار، شامل ترجمه بخشهایی از این اثر به فارسی بوده، به طوری که افراد مختلفی، مجلداتی را انتخاب و آنها را به فارسی ترجمه کرده اند، گرچه تاکنون اثری جامع در ترجمه بحار به فارسی تهیه نشده است.

نویسندگانی هم فهرسی برای آن کتاب تنظیم کرده اند تا استفاده از آن را آسان سازند. کارهایی هم در تلخیص بخشهایی از آن صورت گرفته است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۷۳).

یکی از مشهورترین آثار متأخر در این زمینه، کتاب سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار از مرحوم شیخ عباس قمی (۱۲۹۴ ۱۳۵۹ ق) است. این کتاب یک معجم الفبایی دایرة المعارفی مختصر بر اساس اطلاعات موجود در بحار الانوار است که آسان ترین راه را برای استفاده از این کتاب و البته با افزودن برخی نکات دیگر (علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۹۵-۱۲۳) فراهم آورده است. این اثر که محدث قمی ضمن تلخیص بحار در آن، اطلاعات بحار را به صورت الفبایی و تحت مفاهیم و اسامی و ریشه لغات آورده است، و اخیراً در چهار مجلد به چاپ رسیده (مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۱۶ق)، به معنای دقیق کلمه یک دایرة المعارف شیعی بر پایه بحار الانوار می باشد.

فهرس بحار الانوار (از سید محسن خاتمی) اثر قابل توجه دیگری است که اخیراً به عنوان یک راهنمای مفصل برای دستیابی به مواد داخلی این کتاب فراهم آمده است. این اثر که در سال ۱۹۹۲م در بیروت (مؤسسه البلاغ) در ده مجلد چاپ شده مشتمل بر چندین نوع فهرست از بحار مانند فهرس آیات، اعلام، رجال سند، اماکن، اقوام، کتب، اشعار، و مصادر آن می شود. المعجم المفهرس لالفاظ بحار الانوار هم طی دهه اخیر و پیش از پدید آمدن نرم افزارهای کامپیوتری برای بحار، یکبار در تهران (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و بار دیگر در قم (دفتر تبلیغات اسلامی) تدوین شد.

روشهای تدوین بحار الانوار

۱. توثیق مصادر

مؤلف محترم در مقدمه کتاب ابتدا به ذکر کتب مصادر خود می‌پردازد و در فصل فی بیان الوثوق علی الکتب المذكورة و اختلافها فی ذلك به دلایل اعتبار و یا عدم اعتبار مصادر اشاره می‌کند. او ابتدا می‌نویسد: «علم أن أكثر الكتب التي أعتدنا عليها في النقل مشهوره معلومه الإنتساب إلى مؤلفيها.

و درباره کتاب مصباح الشریعه می‌نویسد: «و کتاب مصباح الشریعه فی بعض ما یریب اللیب الماهر وأسلوبه لایشبه سائر کلمات الائمة وآثارهم... وأن سنده ینتهی إلى الصوفیه ولذا إشمئل علی کثیر من اصطلاحاتهم وعلی الروایه عن مشایخهم ومن یعتمدون علیہ فی روایاتهم واللّه یعلم».

و درباره کتاب بررسی گفته است:

کتاب مشارق الأنوار و کتاب الألفین للحافظ رجب البرسی ولا یعتمد علی ما یتفرد بنقله لاشتمال کتابیہ علی ما یوهم الخبط والخلط والارتفاع وآما أخرجنا منهما ما یوافق الأخبار المأخوذة من الأصول المعتبرة.

مجموع این دو فصل که در جلد اول از صفحه ۶ تا ۴۶ آمده است را می‌توان کتاب شناسی اجمالی کتب شیعه دانست. خواندن این صفحات برای پژوهنده حدیث ضروری است. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۵۰)

۲. کار فردی و یا گروهی

طرح تحقیق بحار الأنوار، تبیین موضوعات اصلی و فرعی و انتخاب روایات ده کتاب اولیه از کارهای مقدماتی علامه مجلسی است و اختصاص بدیشان دارد. انتخاب آیات موضوعات، انتخاب و یا تأیید روایات و بیان نوشتن در ذیل روایات نیز مختص به خود ایشان است. به همین جهت تفکر یکدست حاکم بر بحار الأنوار از ابتدا تا انتها معلوم و مشخص است، ولی تدوین و تحقیق مجموعه‌ای همانند بحار الأنوار علاوه بر کاتبان و مستنسخان، محتاج به محققین دیگری در حد متوسط است که به غنای کار و مطالب بیفزایند و ظاهراً بعضی افراد، به این شکل با علامه مجلسی همکاری می‌کرده‌اند.

۳. مرحله نهایی تألیف

پس از تدوین هر مجلد از بحار الأنوار نسخه جدید و پاک نویسی آن تهیه می‌شد و نسخه‌های دیگر از روی آن تکثیر می‌گشت. تألیف بحار الأنوار به گونه مرتب و به ترتیب اجزا نبود، بلکه بعضی از مجلدات میانی قبل از مجلدات اولیه آماده گشتند و نسخه‌ها نیز تکثیر شد. در نهایت فقط پانزده جلد از ۲۵ جلد بحار الأنوار در زمان حیات علامه مجلسی به مرحله آخر و پاک‌نویسی رسید و ده جلد دیگر آن از سوی شاگردش علامه افندی پاک‌نویسی شد؛ بدین جهت بیانات علامه مجلسی در این ده جلد بسیار اندک است. (همان، ص ۵۱)

نتیجه گیری

روشن است که احادیث و روایات پیشوایان معصومین (ع) پس از قرآن مهمترین منبع دین اسلام است. نگاهی اجمالی به تاریخ حدیث شیعه نشان می‌دهد که بحار الانوار از مهمترین و بزرگترین جوامع حدیثی شیعه است که می‌توان آن را یک دائرة المعارف بزرگ موضوعی در حدیث شیعه دانست. شرح‌های عالمانه مجلسی بر احادیث این جامع حدیثی، جامعیت آن و در برداشتن بسیاری از مطالب احادیث شیعه، آن هم به صورت مرتب و منظم و نیز محفوظ ماندن برخی آثار و احادیث شیعه از طریق بحار الانوار، بر اهمیت این دائرة المعارف حدیثی افزوده است که رایج ترین روش مجلسی در تدوین آن «جایگاه علمی و جلالت مؤلف»، «شهرت و متداول بودن تألیف» و «محتوای سودمند

کتاب» می باشد. پس از این، مبنای مهم دیگر مجلسی در ارزیابی منابع و روایات، مقدم ساختن قرائن متنی محتوایی و داخلی بر قرائن سندی و خارجی به ویژه در موضوعات غیرفقهی است. از این رو، وی در برخی موارد همچون دانشمندان حدیث‌محور شیعه از جمله سیدبن طاوس، مخالفت خویش را با رجالیان نشان داده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد روایات بحار از منابع دوره متقدمان است که در آن میان، بیشترین نقش را کتب اصیل‌تر، معتبرتر و مشهورتر دارند. همچنین استفاده از منابع کم‌اعتبار در بحار کمتر از یک درصد است که در برخی موارد آن، مؤلف بی‌اعتمادی و تردید خود را نسبت به حدیث اعلام می‌کند.

بررسی نحوه استفاده مجلسی از برخی منابع، روشن ساخت که وی برخی منابع اصیل و قدیمی‌تر مثل محاسن برقی و بصائر الدرجات را تقریباً به طور کامل در بحار الأنوار آورده است، و در استفاده از منابع بعدی مثل توحید شیخ صدوق و خرائج و جرائح راوندی در مواردی که احادیث در منابع قدیمی‌تر وجود داشت، نقل از آنها را بر منابع جدیدتر اولویت داد و سایر احادیث را براساس مبنای کتابشناسانه و قرائن متن‌محورانه برای تکمیل خانواده حدیثی خویش و حفظ میراث مکتوب شیعه براساس اجتهاد و مبانی خویش، پس از گزینش آورده است. همچنین روشن شد که مجلسی حتی در استفاده از منابع کم‌اعتبار و وجاده‌ای هم درایت علمی لازم را به کار برده است و تا دلیل محکمی از جهت متن، مثل موافقت محتوای آن با سایر احادیث صحیح و یا داشتن محتوای سودمند و یا از جهت سند، مانند وجود حدیث به دست خط یکی از محدثان مورد اعتماد، وجود نداشته باشد، آن را نقل نکرده است. به هر حال حضور علمی و نوآوری‌های علامه در تألیف بحار مشهود است.

به طور کلی می‌توان گفت بحار مبنای نگرش علمی خود را در باره هستی و انسان بر پایه روایات دینی بنا کرده است. این نگرشی است که حتی امروزه در محیط‌های دینی خاصی هواداران خود را دارد، به طوری که اخیراً هم دانشمندانی از عالم تشیع تلاش کرده‌اند تمامی علوم جدید را با داده‌های بحار منطبق سازند. این جدیدترین کوششی است که در یک مجموعه یازده جلدی این زمینه صورت گرفته است.

منابع

- ابن ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، چاپ محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، چاپ افست، بیروت.
- احمد بن علی بیهقی (۱۳۶۶-۱۳۷۵ ش)، تاج المصادر، تهران: چاپ هادی عالم زاده.
- آشنا، حسام الدین؛ رضایی، سبحان (۱۳۸۷). فضای گفتمانی تدوین بحارالانوار در عصر صفوی، شیعه شناسی، سال ششم، شماره ۲۴.
- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۳۸۹ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالاضواء.
- امین، محسن (۱۴۰۶ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، لؤلؤة البحرین، قم: مؤسسه آل البیت.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸)، مقدمه ای بر تاریخ تدوین حدیث، تهران: فواد.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، بحار الانوار از زاویه نگاه دایرة المعارفی، فصلنامه مشکوة، شماره ۸۰.
- خمینی، روح الله، (۱۳۶۹)، کشف الاسرار، قم: بی نا.
- دانشنامه جهان اسلام، مدخل «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۲۷۵۲۶۸، مقاله حسن طارمی

- دایرة المعارف ایرانیکا، مدخل «بحار الانوار» ج ۴، ص ۹۲، مقاله اتان کالبرگ
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «بحار الانوار» ج ۱۱، ص ۳۷۴۳۷۰، مقاله مهدی مطیع
- دایرة المعارف تشیع، مدخل «بحار الانوار» ج ۳، ص ۹۸-۹۱، مقاله بهاء‌الدین خرمشاهی
- دهقان زاده، بتول (۱۳۹۶). بررسی سندی روایات باب‌الظهور و بطن قرآن در بحار الأنوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۹). ابتکارات علامه مجلسی (از مجموعه مقالات یادنامه مجلسی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۳۷۰)، تاریخ الخلفاء، قم: چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید.
- شمس‌الدین‌آملی، محمدبن محمود (۱۳۸۱)، نفائس الفنون فی عرایس العیون، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۴۰۰)، کتاب تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، تهران: انتشارات فردوس.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۲)، تعلیقات بر بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۱) آشنایی با تاریخ و منابع حدیث، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران).
- العسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۵ق)، کتاب تهذیب التهذیب، بیروت: چاپ صدقی جمیل عطار.
- العسقلانی، ابن حجر (۱۴۲۴ق)، فتح الباری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قریب، قاسم (۱۳۹۴). تاریخ‌نگاری و روش نقد اخبار تاریخ اسلام در بحار الانوار علامه مجلسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- قمی، عباس (۱۳۵۹)، الکنی و الالقاب، تهران: مکتبه الصدر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۹۲)، مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، جلد ۱، چاپ اول، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مدخل «بحار الانوار» در الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۲۷-۱۶
- مددی، سید احمد (۱۳۷۹)، روش شناسی بحار الانوار، ماهنامه کتاب دین، شماره ۳۴.
- مهدوی، مؤده؛ پدرام، نرگس (۱۳۹۵)، صورت هزینه‌ها و مخارج چاپ کتاب بحار الانوار (طبع کمپانی)، تهران: ثریا.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۷۹)، زندگی‌نامه مجلسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسسه تحقیقاتی و اطلاع‌رسانی خانه کتاب ایران (۱۴۱۴ق)، المعجم المفهرس لألفاظ أحادیث بحار الأنوار، چاپ اول، چهار جلد، قم: مکتب الاعلام الإسلامی فی الحوزة العلمیه.